

بررسی رابطه پنج عامل شخصیت و سبک های فرزندپروری مادران با اضطراب در دانش آموزان پسر پایه یازدهم استان قم

مژده پورخسروانی^۱، مهدی نعیمی^۲

^۱ کارشناسی ارشد روان سنجی دانشگاه آزاد قم

^۲ دانشجوی کارشناسی روان شناسی عمومی دانشگاه اسلامی آزاد قم

نام نویسنده مسئول:

مژده پورخسروانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۵

چکیده

اضطراب هشدار می دهد که فرد را گوش به زنگ می کند ؛ یعنی به فرد هشدار می دهد که خطری در راه است و باعث می شود که فرد بتواند برای مقابله با خطر، اقداماتی به عمل آورد و ریشه ی بسیاری از مسائل و مشکلات روانی کودکان و نوجوانان در اضطراب و اختلالات مرتبط با آن نهفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پنج عامل شخصیت و فرزند پروری مادران با اضطراب در دانش آموزان پسر پایه یازدهم استان قم انجام شد. در این مطالعه، همبستگی ۹۹ مادر و ۹۹ دانش آموز پسر می باشد که به شیوه ی در دسترس در سال ۱۳۹۸-۹۹ انتخاب شدند. به منظور جمع آوری داده ها پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (نئو فرم کوتاه)، فرزندپروری دیانا بامریند و اضطراب بک اجرا شد و به منظور محاسبه ی داده ها از نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ و با استفاده از آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شدند. نتایج دلالت بر این داشتند که بین ویژگی های شخصیت در مقیاس (انعطاف پذیری) با اضطراب کودکان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک فرزند پروری مقتدر با ویژگی شخصیت باوجدان بودن در سطح معناداری ($p < 0.05$) رابطه معکوس وجود دارد و سبک فرزند پروری استبدادی با ویژگی شخصیت انعطاف پذیری با سطح معناداری ($p < 0.05$) رابطه مثبتی را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: شخصیت، فرزند پروری، اضطراب، مادران، نوجوانان، دانش آموزان.

مقدمه

شخصیت را می توان به الگوهای رفتاری با ثبات در افراد و فرآیند های شخصی درونی (شامل عواطف، شناخت ها) تعریف کرد که سبب عملکرد یکسان در هر مکان و زمان می شود و همه احساسات و افعال ما را تحت تاثیر قرار می دهد [۱] شخصیت گرایش ها و خصوصیات پایداری است که تعیین کننده ی تشابهات و تفاوت ها در رفتارهای روان شناختی (افکار، عواطف و اعمال) افراد است و این گونه رفتارها در طول زمان تداوم دارند و به راحتی نمی توان آن ها را تنها پیامد فشارهای اجتماعی و زیستی لحظه ای در نظر گرفت [۲].

امروزه مرسوم ترین نظام توصیف رگه های شخصیت مدل پنج عاملی شخصیت مک کری و کاستا (۱۹۹۶) است که به سبب نگاه مثبت به انسان، توجه بسیاری را به عنوان یک مدل جامع شخصیتی در زمینه های پژوهشی گوناگون به خود جلب کرده است. براساس این مدل روان رنجور خویی به تمایل تجربه خلق ملال انگیز مانند غمگینی، ناامیدی و گناه اشاره می کند ؛ برون گرایی به همراهی و تحریک اجتماعی اشاره دارد ؛ گشودگی و تجربه پذیری گویای نیاز به تنوع، تازگی و تغییرات است ؛ موافق بودن نشانگر میل به احترام گذاشتن به دیگران هنگام تعارض میان -فردی است و با وجدان بودن نیز به احساس قوی هدف و سطوح اشتیاق بالا اشاره دارد [۳]. بر همین اساس، در طول سالهای گذشته پژوهش هایی در زمینه روان شناسی، علوم اعصاب، علوم هیجانی و آسیب شناسی به شناسایی عوامل مشترکی اقدام کرده اند که زیر بنای اختلال های گوناگون اند و نشان می دهند که فرایند های رفتاری /شناختی متعددی فراتشخیصی هستند و در نگهداری اختلالات روان شناختی نقش دارند [۴] در این میان، نتایج معدود پژوهش های که فراتشخیصی بودن مولفه های شخصیتی خاص و گسترده را در کنار یکدیگر و به منظور پیش بینی رفتارهای پر خطر به کار برده اند، نشان می دهد که روان رنجور خویی بالا و وظیفه شناسی پایین عامل فراتشخیصی در مصرف الکل [۵]، مصرف سیگار و خطر پذیری جنسی [۶] است. برونگرایی عامل فراتشخیصی مهم در رفتار جنسی پر خطر [۷]، مصرف الکل [۸] و تخلفات رانندگی [۹] است و سازگاری پائین عامل فراتشخیصی و مشترک در گرایش به سوء مصرف مواد [۱۰] داشتن روابط جنسی متعدد [۱۱] و مصرف افراطی الکل [۱۲] است. از این رو سبک های فرزند پروری، نگرش، رفتارهای عاطفی والدین با فرزندان است و کنترل روان شناختی والدین می تواند روی سازگاری روانی -اجتماعی نوجوانان تاثیر داشته باشد [۱۳] والدینی که نسبت به نیازها و خواسته های فرزندان پاسخ گو هستند و هیجانات و عواطف متناسب با آن نیازها را بروز می دهند و به صورت منطقی رفتارها را کنترل می کنند، مشکلات رفتاری، افسردگی و اضطراب کمتر و رشد هیجانی و عاطفی مثبت بیشتری در کودکان و نوجوانان آن ها قابل مشاهده است. همچنین والدینی که در برابر نیازها و رفتارهای فرزندان کنترل روانی و محدودیت های بیش از اندازه دارند و در قبال رفتارها و خواسته های آن ها ایجاد احساس گناه و شرمساری را در فرزندان تلقین می کنند و اضطراب، پریشانی و نشانه های افسردگی بالاتری در کودکان و نوجوانان آن ها قابل مشاهده است و والدینی که سطوح پائینی از کنترل منطقی را بر روی رفتار فرزندان دارند و هیچ محدودیتی برای ارضای نیازها و خواسته های آن ها قائل نیستند، پرخاشگری، لجبازی و نافرمانی مقابله ای بالاتر در کودکان و نوجوانان آن ها قابل مشاهده است [۱۴]. سبک های فرزند پروری را می توان درک رفتارهای مناسب و نامناسب، درک هنجار ها، نقش ها، تصمیم گیری و تجارب زندگی را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد. کیفیت مناسب فرزند پروری می تواند منجر به بروز رفتارهای غیراجتماعی، اضطراب، افسردگی و عزت نفس پائین گردد [۱۵] در پژوهشی وانگ یانگ (۲۰۱۶) به بررسی تاثیر سبک های فرزند پروری و عزت نفس روی بهزیستی فاعلی در ۲۰۰ دانشجوی پزشکی چین پرداختند، نتایج نشان داد که میان سبک های فرزند پروری مقتدرانه و عزت نفس با بهزیستی فاعلی رابطه معنادار وجود دارد و میان سبک های فرزند پروری استبدادی و عمل گیرانه با بهزیستی فاعلی رابطه منفی و معکوس وجود دارد.

ایرفان (۲۰۱۱) در پژوهشی دریافت که همبستگی معناداری میان سبک های فرزند پروری و بهزیستی روان شناختی در دختران و پسران بزرگسال وجود دارد. در پژوهشی در ایران ابراهیم مقدم و فکرتی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که میان مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری مقتدرانه با حالات روان شناختی مثبت رابطه معنادار وجود دارد. گوپتا و مهتانی (۲۰۱۵) رابطه میان سبک های فرزند پروری و بهزیستی روان شناختی را در نوجوانان مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که سبک های فرزند پروری مقتدرانه پیش بینی کننده بهزیستی روان شناختی است.

اضطراب، هشدار است که فرد را گوش به زنگ می کند؛ یعنی به فرد هشدار می دهد که خطری در راه است و باعث می شود که فرد بتواند برای مقابله با خطر، اقداماتی به عمل آورد، ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات روانی کودکان و نوجوانان در اضطراب و اختلالات مرتبط با آن نهفته است، اضطراب، پیامد زندگی معاصر است و از شایع ترین اختلالات روانپزشکی در جمعیت عمومی هستند، یکی از جنبه های بسیار جالب اختلالات اضطرابی، تعامل ظرفیتی است که میان عوامل وراثتی و محیطی مولد این اختلال وجود دارد [۱۶].

گالگر و کارترایت هاتن (۲۰۰۸) در ارزیابی رابطه بین عوامل فرزند پروری و خصیصه های اضطراب، نقش واسطه ای خطاهای شناختی و فراشناختی با تمرکز بر مفاهیم مهرورزی والدین و مداخله گری/پیش کنترلی والدین، به بررسی نقش این عوامل در اضطراب نوجوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که تمام عوامل فرزندپروری تنها به واسطه ای ایجاد تحریفات شناختی و فراشناختی پیش بینی اضطراب افراد خواهد بود. عامل دیگری که می تواند در بروز اختلالات اضطرابی در کودکان موثر باشد هوش هیجانی مادران است.

ترس و اضطراب واکنشی طبیعی در مقابل خطر است و در سیر تحول کودکان، بخشی از تحول بهنجار به شمار می آید، اما زمانی که سطح آشفتگی برانگیخته شده نسبت به همسالان کودک بیشتر باشد. سبب پریشانی غیر قابل مهار در او گردد، نابهنجار تلقی شده و با عنوان اختلالات اضطراب شناخته می شود [۱۷]. شایع تری اختلال های اضطرابی در کودکان عبارتند از هراس، اضطراب فراگیر، هراس اجتماعی، اضطراب جدایی [۱۸]. اختلالات اضطرابی همپوشی بالایی با سایر اختلالات نقص توجه - بیش فعالی (حدود ۱۰/۰۴٪ همپوشی)، اختلال نافرمانی (۸/۴۳٪ همپوشی)، و اختلال وسواس فکری - عملی (حدود ۸/۶۱٪ همپوشی) دارند، [۱۹]. از پیامد های منفی دیگر اضطراب کمتر ارتباط برقرار کردن با دیگران به دلیل ترس از قضاوت شدن توسط اطرافیان است [۲۰].

از بین درمان های به کار رفته برای کاهش اضطراب کودکان، درمان های چند وجهی (مداخلات روانشناختی فردی، گروه درمانی، دارودرمانی) از اثر بخشی بیشتری برخوردار است، اما با توجه به پرهزینه بودن امکان به کارگیری آن ها در همه شرایط وجود ندارد. از میان مداخلات روانشناختی، نتایج کار آزمایشی های بالینی تصادفی، از اثر بخشی درمان شناختی رفتاری در بهبود علائم اضطرابی حمایت می کنند. علاوه بر پاسخ مثبت به درمان، پایداری اثرات درمان نیز در پیگیری های طولانی مدت (پیگیری ۶ ساله) تأیید شده است [۲۱].

ابزار و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و توصیفی می باشد. جامعه آماری آن را ۹۹ مادر و ۹۹ دانش آموز پسر پایه یازدهم استان قم را شامل می شوند. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش در محرمانه بودن اطلاعات به نمونه های پژوهش اطمینان داده شد و بین آن ها سه پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (نئو فرم کوتاه)، فرزند پروری دیانا بامریند و اضطراب بک توزیع شد و در نهایت داده های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ و با آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شدند.

تست عوامل شخصیت نئو

این پرسشنامه دارای ۶۰ گویه می باشد که مؤلفه های آن به شرح ذیل می باشد:

N	خرده مقیاس روان نژندی (N)
E	خرده مقیاس برونگرایی (E)
O	خرده مقیاس انعطاف پذیری (O)
A	خرده مقیاس دلپذیر بودن (A)
C	خرده مقیاس باوجدان بودن (C)

نمره‌گذاری پرسش‌نامه

برای هر عبارت پرسش‌نامه یک مقیاس درجه‌بندی پنج رتبه‌ای وجود دارد که دارای ارزش صفر تا ۴ است. برای برخی از جمله‌ها این نمره‌گذاری را از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم به ترتیب صفر تا تعلق می‌گیرد و برای برخی دیگر برعکس. ترتیب سؤال‌ها در این پرسش‌نامه به گونه‌ای است که هر سطر پاسخنامه (شامل ۸ مورد برای پاسخ به عبارت) برای یک مقیاس منظور شده، بدین ترتیب که سطر اول پاسخنامه مرتبط به شاخص N1 و سطر دوم مربوط به شاخص E1 و سطر سوم مربوط به O1 و.... است. در انتهای هر سطر پاسخنامه نیز علامت اختصاری مقیاس آمده است. عبارت‌های بدون پاسخ: پس از اجرا باید پاسخنامه بررسی شود تا اطمینان حاصل گردد که همه سؤال‌ها پاسخ داده شده‌اند. چنانچه برخی از سؤال‌ها بدون پاسخ باشند، باید از آزمودنی درخواست شود تا آن‌ها را کامل کند. اگر آزمودنی ادعا داشت که آن را نمی‌فهمد، درخواست شود تا گزینه نظری ندارم را بزند.

محاسبه مقیاس‌ها و شاخص‌ها

بر اساس کلید نمره‌گذاری روی پاسخنامه در انتهای سمت چپ هر سطر، حاصل جمع اعداد همان سطر نوشته می‌شود. این کار تا انتهای پاسخنامه که شامل ۳۰ سطر ادامه می‌یابد. سپس این اعداد باید در نیمرخ روانی مناسب، بر اساس جنس آزمودنی وارد شود. ابتدا نمره هر خرده مقیاس (N1، N2، N3،...) و جمع ۶ خرده مقیاس از هر مقیاس N، E، O، A، C را در بالای برگه نیمرخ روانی در قسمت مربوط به هر یک بنویسید. سپس برای ترسیم نیمرخ روانی، عدد به دست آمده را در ستون زیر هر خرده مقیاس مشخص کنید، بعد آن‌ها را به یکدیگر وصل نمایید. برای مقیاس‌ها نیز به همین شکل عمل کنید. نیمرخ روانی NEO بر اساس جنس بر مبنای نمره T (M=50 و SD=10) به ۵ قسمت (بسیار بالا، بالا، متوسط، پایین و بسیار پایین) تقسیم شده است.

تفسیر ابعاد پنج‌گانه و مقیاس‌های مرتبط با آن‌ها

تفسیر مقیاس‌ها به صورت مقایسه‌ای انجام می‌گیرد، نه صرفاً بر مبنای نمره فرد در یک مقیاس. برای نمونه فردی که دارای نمره بالاتر از صدک ۷۵ در مقیاس افسردگی است، فقط هنگامی دارای خلق افسرده تشخیص داده می‌شود که نمره او در مقیاس هیجان‌های مثبت در محدوده کمتر از صدک ۲۵ قرار گیرد. پس اگر نمره فردی در مقیاس افسردگی بسیار بالا و در مقیاس هیجان‌های مثبت نیز بالا باشد، نمی‌توان خلق افسرده را برای او در نظر گرفت، او فردی است که در بیشتر موفقیت‌ها شاد و خرسند است نه افسرده و ناامید. تفسیر کننده باید از تفکر همه یا هیچ در تفسیر مقیاس‌ها و شاخص‌ها بپرهیزد. شاخص‌ها و مقیاس‌ها کمی پیوسته دارند. برای نمونه، شاخص برون‌گرایی یک کمیت پیوسته، از برون‌گرایی تا درون‌گرایی است. توصیه می‌شود تفسیر شاخص‌ها و مقیاس‌ها بر اساس «بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم» انجام گیرد.

روایی پرسش‌نامه

روایی پرسش‌نامه با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، خوب ارزیابی و تأیید شده است. همچنین پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه گردید. آلفای این پرسش‌نامه ۰/۷۸ بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسش‌نامه می‌باشد. (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸).

پرسشنامه فرزند پروری

این پرسشنامه توسط دینا بامریند (۱۹۶۷) ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است (توسط والدین تکمیل می‌گردد) که سه سبک فرزندپروری را در ۳۰ ماده و بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (۱ تا ۵) می‌سنجد.

سه سبک فرزندپروری و گویه‌های مربوط به آنها عبارتند از:

۱- سبک سهل‌گیرانه: ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸.

۲- سبک استبدادی: ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹.

۳- سبک مقتدرانه: ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰.

نمره هر سبکی بالاتر بود، سبک غالب فرزندپروری به شمار می‌رود.

روش نمره گذاری و تفسیر

این پرسشنامه اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند، از سه الگوی آزادگذاری، آمرانه و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری، ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال است که ۱۰ سوال آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ سوال به شیوه آمرانه و ۱۰ سوال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود.

در این پرسشنامه، مادران و پدران آزمودنیها با مطالعه هر سوال نظر خود را با علامت × و بر حسب یک مقیاس پنج درجه ای (لیکرت) مشخص می‌کنند. این مقیاس از صفر تا ۴ نمره گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، آمرانه و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی، به دست می‌آید. این مقیاس‌ها با تاکید بر شماره سوالات، به شرح زیر می‌باشد:

ردیف	مقیاس	شماره سوالات
۱	مقیاس آزادگذاری	۱، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸
۲	مقیاس آمرانه	۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹
۳	مقیاس اقتدار منطقی	۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰

پایایی (اعتبار) و روایی پرسشنامه

این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری، اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش تنکابنی و بندچی (۱۳۷۹) نشان داده شد که اعتبار پرسشنامه ۰/۷۲ است و بنابراین، پرسشنامه از روایی پژوهشی لازم برخوردار است. (ساعتچی، ۱۳۸۹)

پرسشنامه اضطراب بک

پرسشنامه اضطراب بک به انگلیسی (BAI - Beck Anxiety Inventory): یک پرسشنامه خود گزارشی است که برای اندازه‌گیری شدت اضطراب در نوجوانان و بزرگسالان تهیه شده است. این پرسشنامه یک مقیاس ۲۱ ماده‌ای است که آزمودنی در هر ماده یکی از چهار گزینه که نشان دهنده شدت اضطراب است را انتخاب می‌کند.

از آنجا که ارزیابی علایم اضطراب در تشخیص و درمان مشکلات روانی از اهمیت زیادی برخوردار است، تاکنون مقیاس‌های زیادی با توجه به دیدگاه‌های گوناگون برای آن پدید آمده است. مثل کاستلو، اندلر، زونگ بررسی این مقیاس‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً مشکلاتی در مفهوم ساری نظری و ویژگی‌های روش شناختی آن‌ها وجود دارد. با توجه به این مشکلات، آرون تمکین بک و همکارانش در ۱۹۹۰ پرسشنامه اضطراب بک، را معرفی کردند که به‌طور اختصاصی شدت علایم اضطراب بالینی را در افراد می‌سنجد.

اعتبار و روایی

این پرسشنامه از اعتبار روایی بالایی برخوردار است. ضریب همسانی درونی آن ضریب آلفا ۰٫۹۲، اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰٫۷۵ و همبستگی ماده‌های آن از ۰٫۳۰ تا ۰٫۷۶ متغیر است.

پنج نوع روایی محتوا، همزمان، سازه، تشخیصی و عاملی برای این آزمون سنجیده شده است که همگی نشان دهنده کارایی بالای این ابزار در اندازه‌گیری شدت اضطراب می‌باشد.

نمره‌گذاری و تفسیر نمرات

این پرسشنامه یک مقیاس ۲۱ ماده‌ای است که آزمودنی در هر ماده یکی از چهار گزینه که نشان دهنده شدت اضطراب است را انتخاب می‌کند. چهار گزینه هر سؤال در یک طیف چهار بخشی هز ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود. هر یک از ماده‌های آزمون یکی از علایم شایع اضطراب (علایم ذهنی، بدنی و هراس) را توصیف می‌کند. بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه‌ای از ۰ تا ۶۳ قرار می‌گیرد.

تعیین درجه اضطراب

نمرات	درجه اضطراب
۰ - ۷	هیچ یا کمترین حد
۸ - ۱۵	خفیف
۱۶ - ۲۵	متوسط
۲۶ - ۶۳	شدید

یافته‌ها

به منظور بررسی روابط همبستگی بین ویژگی‌های پنج عامل شخصیت و سبک‌های فرزند پروری مادران با اضطراب در کودکان از همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۱ و ۲، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد و جدول ۳، همبستگی بین تمامی متغیرها را مورد بررسی قرار داده ایم.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش مادران

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
4.597	16.51	99	مقتدر	سبک فرزند پروری
5.279	16.79	99	آسان گیر	
5.861	17.12	99	استبدادی	
21.890	138.73	99	روان نژندی	ویژگی‌های شخصیت
18.697	138.79	99	برون گرایی	
20.513	144.16	99	انعطاف پذیری	
14.571	133.14	99	دلپذیر بودن	
23.788	144.28	99	باوجدان بودن	

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش کودکان

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
6.396	22.52	99	اضطراب

اضطراب	باوجدان بودن	دلیپذیر بودن	انعطاف پذیری	برون گرایی	روان نژندی	استبدادی	آسان گیر	مقتدر			
								1	ضریب همبستگی	مقتدر	سبک فرزند پروری
									سطح معناداری		
							1	*.186	ضریب همبستگی	استبدادی	
								.033	سطح معناداری		
						1	.023	-.064	ضریب همبستگی	برون گرایی	
							.411	.266	سطح معناداری		
					1	.049	.029	-.102	ضریب همبستگی	دلیپذیر بودن	
						.315	.389	.157	سطح معناداری		
				1	*-.175	-.103	.070	-.051	ضریب همبستگی	اضطراب	
					.041	.156	.247	.310	سطح معناداری		
			1	.027	.004	*.180	-.047	.063	ضریب همبستگی		
				.396	.485	.038	.321	.267	سطح معناداری		
		1	-.150	*-.181	-.002	.151	-.013	-.130	ضریب همبستگی		
			.069	.037	.492	.068	.450	.100	سطح معناداری		
	1	.159	-.073	.103	.091	.079	-.141	*-.193	ضریب همبستگی		
		.058	.236	.156	.186	.220	.082	.028	سطح معناداری		
1	-.089	.100	*.176	.091	-.046	.162	-.078	-.024	ضریب همبستگی		
	.190	.162	.041	.185	.325	.054	.220	.409	سطح معناداری		
*P<0/05											

نتایج به دست آمده در جدول ۳ نیز نشان می دهد که بین یکی از ویژگی های شخصیت مادران (انعطاف پذیری) با اضطراب کودکان در سطح معناداری ۰,۴۱ با ضریب همبستگی (۰,۱۷۶) رابطه مثبت و ضعیف بین متغیر ها گزارش می شود. البته در این پژوهش دیده شد سبک فرزند پروری مقتدر با ویژگی شخصیت با وجدان بودن در سطح معناداری ($P<0/05$) ۰,۲۸ و ضریب همبستگی (-۰,۱۹۳) رابطه معکوس و ضعیفی را نشان دادند. همچنین سبک فرزند پروری استبدادی با ویژگی شخصیت انعطاف پذیری با سطح معناداری ($P<0/05$) ۰,۳۸ و ضریب همبستگی (۰,۱۸۰) بین متغیر ها رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش دریافته ایم که بین یکی از ویژگی های شخصیت مادران (انعطاف پذیری) با اضطراب کودکان در سطح معناداری ۰,۴۱ با ضریب همبستگی (۰,۱۷۶) رابطه مثبت و ضعیف بین متغیر ها گزارش می شود. البته در این پژوهش دیده شد سبک فرزند پروری مقتدر با ویژگی شخصیت با وجدان بودن در سطح معناداری ($P<0/05$) ۰,۲۸ و ضریب همبستگی (-۰,۱۹۳) رابطه معکوس و ضعیفی را نشان دادند. همچنین سبک فرزند پروری استبدادی با ویژگی شخصیت انعطاف پذیری با سطح معناداری ($P<0/05$) ۰,۳۸ و ضریب همبستگی (۰,۱۸۰) بین متغیر ها رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد.

الگوی پنج عامل بزرگ شخصیت برای محققان علاقمند به شناسایی تفاوت های فردی زیر بنایی در شخصیت، به مثابه ی یک کشف بنیادی به نظر می رسد [۲۲]. براین اساس، کاستا و مک کری [۲۳] استفاده از تحلیل عاملی به این نتیجه رسیدند که می توان بین تفاوت های فردی در خصوصیات شخصیتی، پنج بعد عمده را منظور کردند. براساس این مدل روان رنجور خویی به تمایل تجربه خلق ملال انگیز مانند غمگینی، ناامیدی و گناه اشاره می کند؛ برون گرایی به همراهی و تحریک اجتماعی اشاره دارد؛ گشودگی و تجربه پذیری گویای نیاز به تنوع، تازگی و تغییرات است؛ موافق بودن نشانگر میل به احترام گذاشتن به دیگران هنگام تعارض میان فردی است و با وجدان بودن نیز به احساس قوی هدف و سطوح اشتیاق بالا اشاره دارد [۲۴]. در دهه های اخیر نشان داده شده است که روابط مستقیمی بین شخصیت والدین و رفتارهای کودکان وجود دارد و رفتارهای کودکان تحت تاثیر شخصیت والدین به خصوص مادرانشان پرورش پیدا می کند [۲۵].

فرزند پروری به روش ها و رفتارهای ویژه گفته می شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر می گذارند. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری بیانگر تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است [۲۶]. نوع برخورد والدین در قالب و رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل اجتماعی کردن فرزند خود به کار می برند؛ سبک های فرزند پروری نامیده می شود [۲۷]. شیوه های تربیتی والدین و روش انضباطی آنان بی تردید تحت تاثیر خصوصیات شخصیتی و سیستم اعتقادی آنان است. والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین نابالغ و ناسالم معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه می کنند که این نوع فرزندپروری، مشوق امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی کودکان است [۲۸].

نظریه ی تکاملی اضطراب بیان کننده آن است که پذیرش کودک توسط والدین، نوع کنترل و رفتارهای آنها با بروز علائم اضطراب در کودکان ارتباط دارد [۲۹]. همچنین گالگر و کارترایت هاتن [۳۰] در ارزیابی رابطه بین عوامل فرزند پروری و خصیصه های اضطراب، نقش واسطه ای خطاهای شناختی و فراشناختی با تمرکز بر مفاهیم مهرورزی والدین و مداخله گری/پیش کنترلی والدین، به بررسی نقش این عوامل در اضطراب نوجوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که تمام عوامل فرزندپروری تنها به واسطه ای ایجاد تحریفات شناختی و فراشناختی پیش بینی اضطراب افراد خواهد بود.

منابع و مراجع

- [1] Bacanlı, H., İlhan, T., & Aslan, S. (2009). Bes factor kuramına dayalı bir kişilik ölçeğinin geliştirilmesi : sıfatlara dayalı kişilik testi (SDKT). *Türk Eğitim Bilimleri Dergisi*, 7(2), 261-279.
- [2] Maddi, S. R. (1996). *Personality theories : A comparative analysis* (6th ed). California : Brooks / Cole publishing company.
- [3] McCrae, R.R., & Costa, P.T., Jr. (2008). The five –factor theory of personality. In O.P. John, R.W. Robins, & L.A. Pervin (Eds.), *Handbook of personality : theory and research* (3rd ed. pp. 159-181). New York, NY: Guilford press.
- [4] Harvey, A., Watkins, E., Mansell, W., & Shafran, R. (2014). *Cognitive behavioral processes across psychological disorders : A transdiagnostic approach to research and treatment*. Oxford University press.
- [5] Ruiz, M.A., Pincus, A.L., & Dickinson, K.A. (2003). NEO PI-R predictors of alcohol use and alcohol –related problems. *Journal of personality Assessment*, 81(3), 226-236.
- [6] Hoyle, R.H., Fejfar, M.C., & Miller, J.D. (2000). Personality and sexual risk taking : A quantitative review. *Journal of personality*, 68(6), 1203-1231.
- [7] Miller, J.D., Lynam, D., Zimmerman, R.S., Logan, T.K., Leukefeld, C., & Clayton, R. (2004). The utility of the five factor model in understanding risk sexual behavior. *Personality & Individual Differences*, 36, 1611-1626.
- [8] Theakston, J.A., Stewart, S.H., Dawson, M.Y., Knowlton-Loewen, S.A.B., & Lehman, D.R. (2004). Big –five personality domains predict drinking motives. *Personality and Individual Differences*, 37(5), 971-984.
- [9] Stewart, S.H., & Devine, H. (2000). Relations between personality and drinking motives in young adults. *Personality and Individual Differences*, 29(3), 495-511.
- [10] Turiano, N.A., Whiteman, S.D., Hampson, S.E., Roberts, B.W., & Mroczek, D.K. (2012). Personality and substance use in midlife : conscientiousness as a moderator and the effects of trait change. *Journal of research in personality*, 46(3), 295-305.
- [11] Miller, J.D., Lynam, D., Zimmerman, R.S., Logan, T.K., Leukefeld, C., & Clayton, R. (2004). The utility of the five factor model in understanding risk sexual behavior. *Personality & Individual Differences*, 36, 1611-1626.
- [12] Bogg, T., & Roberts, B.W. (2004). Conscientiousness and health –related behaviors : A meta – analysis of the leading behavioral contributors to mortality. *Psychological Bulletin*, 130(6), 887-919.
- [13] Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context : An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- [14] Barber, B.K. (1996). Parental psychological control : revisiting a neglected construct. *Child Development*, 67, 3296-3316.
- [15] Carr, D., & Springer, K. W. (2010). Advances in family and health research in the 21st century. *Journal of marriage and the family*, 72(3), 743-761.
- [16] Sadock, B.J., Sadock, V.A., Ruiz, P. (2009). *Kaplan & Sadock's comprehensive Textbook of psychiatry*, 9th Edition. Copyright, Lippincott Williams & Wilkins.
- [17] Mor, N., & Meijers, J. (2009). Cognitive Behavioral therapy in childhood Anxiety. *Journal of Psychiatry Related Science*, 46(4): 282-289.
- [18] Ginsburg, G. S., & Newman, K. J. (2007). Evidence –based practice for childhood Anxiety Disorders. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 37: 123-132.
- [19] Kendall, P.C., Compton, S.N., Walkup, J. T., Birmaher, B., Albano A.M., Sherrill, J., Ginsburg, G., Rynn, M., McCracken, J., Gosch, E., Keeton, C., Bergman, L., Sakolsky, D., Suveg, C., Iyengar, S., March, J., & Piacentini, J. (2010). Clinical characteristics of anxiety disorder youth. *Journal of Anxiety Disorders*, 24: 360-365.
- [20] Ginsburg, G.S., Becker, K.D., Drazdowski, T.K., & Tein, J.Y. (2012, February). Treating anxiety disorders in inner city schools : Results from a pilot randomized controlled trial comparing CBT and usual care. In *Child & Youth Care Forum* (Vol. 41, No.1, pp.1-19).

- [21] Edmunds , J.M., O neil , K.A., & kendall , P.C. (2011). A review of cognitive –behavior therapy for anxiety disorders in children and adolescents: current status and future directions. *Tidsskrift for norsk psykologforening* , 48: 26-33.
- [22] Korotkove , D. (2004). the five-factor moder of personality : Strengths and limitations in predicting health status , sick –role and illness behavior. *personality and Individual Differences* , 36 , 187-199. Malouff , J. M., Throsteinsson , E.B., & schutte , N.S.(2006). The five –factor model of personality and smoking : Ameta analysis. *Journal of drug Education*, 36(1), 47-57.
- [23] Haren , E. , & Mitchell , C. W. (2003). Relationships between the five-factor personality model and coping styles. *psychology & Education : An Interdisciplinary Journal* , 40(1) , 38-49.
- [24] McCrae , R.R., & costa , P.T., Jr. (2008). The five –factor theory of personality. In O.P. John, R.W. Robins , & L.A. Pervin (Eds.) , *Handbook of personality : theory and research* (3rd ed. pp. 159-181). new York , NY: Guilford press.
- [25] Pamela , O., Dinna , G. , Jacqueline , C. (2009). Bigfive parental personality Trait , Parenting behaviors , and adolescent behavior problem : A meditation model. *personality and individual differences* , 47 , 632-636.
- [26] Baumrind D. the influences of parenting style on (1984) adolescent competence and substance use. *J Early Adolesc* 1991 ; 11(1) : 56-95.
- [27] Samani S , Fulad Chang M. *Psychology of adolescence*. Tehran : Molkesoliman pub ; 2006.
- [28] Belsky J , Lerner RM , Spanier GB. *Topics in developmental psychology. the child in the family*. Reading , MA : Addison-Wesley ; 1984.
- [29] Wood J. Parenting and childhood anxiety : theory , empirical finding and future direction. *Journal of child psychology and psychiatry*. 2003 ; 44(1) : 134-151.
- [30] Gallagher , B., & cartwright , S.H. (2008). The relationship between parenting factors and trait anxiety : mediating role of cognitive errors and metacognition. *Journal of Anxiety Disorders*. 22, 722-733.